

فهرست

# زندگی چیزی کم دارد

گزیده شعرهای

مهدی مظفری ساوجی

سه گامتوگر

(با مهدی مظفری ساوجی)

## به انتخاب سیمین بهبهانی



مؤسسه انتشارات نگاه

تهران، ۱۳۹۳

www.entesharati.com

Email: negahpubl@netnet.com

۱۸۱	.....	۱۸۱	.....
۱۸۲	.....	۱۸۲	.....
۱۸۳	.....	۱۸۳	.....
۱۸۴	.....	۱۸۴	.....
۱۸۵	.....	۱۸۵	.....

### فهرست

۱۸۶	.....	۱۸۶	.....
۱۸۷	.....	۱۸۷	.....
۱۸۸	.....	۱۸۸	.....
۱۸۹	.....	۱۸۹	.....
۱۹۰	.....	۱۹۰	.....

۹..... به جای مقدمه

۱۱..... برو به سلامت

۲۱..... شب به شیشه می زند

..... سه گفت و گو

### (با مهدی مظفری ساوجی)

۳۳..... پسند و ناپسند شعر

۳۹..... من همیشه برف را سیاه دیده‌ام

۴۷..... شعر معجزه کلمات است

### آینه‌های رنگ پریده

۷۲..... ۶۷ نابه‌هنگام بهار

۷۳..... ۶۸ در پشت این دریاچه تاریک

..... ۷۰ شبح‌چراغ

### رنگ‌ها و سایه‌ها

۸۵..... ۷۷ شاه کلید با چشم‌های مار

۸۷..... ۷۹ در انزوا شعر سفید

۸۹..... ۸۳ در خانه جوجه اردک زشت

۱۹۳.....	اگر.....	۱۷۳.....	لهج.....
۱۹۴.....	آخر پاییز.....	۱۷۴.....	در.....
۱۹۷.....	روزها.....	۱۷۵.....	خودکشی.....
۱۹۸.....	رنگ شب.....	۱۷۶.....	گمشده.....
۱۹۹.....	رقصی چنین.....	۱۷۷.....	گل های خانگی.....
۲۰۰.....	زمستان.....	۱۷۸.....	هروس.....
۲۰۱.....	ترسیدن.....	۱۸۲.....	الزوا.....
۲۰۲.....	تاک.....	۱۸۵.....	چشم تولد.....
۲۰۳.....	بازی.....	۱۸۷.....	هزار و یک شب.....
۲۰۴.....	شعر سپید.....	۱۸۸.....	چه می شود کرد.....
۲۰۵.....	؟.....	۱۸۹.....	هیس!.....
۲۰۶.....	ظهیرالدوله، فروغ فرخزاد.....	۱۹۰.....	من.....
۲۰۷.....	ازکاشها.....	۱۹۱.....	طبری نیست.....
۲۰۸.....	زیباترین فکر جهان.....	۱۹۲.....	در گذشته.....

### بیمارستان

۲۳۴.....	گل یخ.....	۲۱۱.....	مردگان.....
۲۳۵.....	انسان.....	۲۱۴.....	خوشبختی.....
۲۳۷.....	غم و شادی.....	۲۱۶.....	درمانده.....
۲۳۸.....	روزی گل و سنگ.....	۲۱۹.....	و هیچ کسی نیست.....
۲۳۹.....	معجزه.....	۲۲۲.....	از زندگی.....
۲۴۰.....	پوسیدگی.....	۲۲۳.....	میراث.....
۲۴۱.....	در خانه.....	۲۲۴.....	وصیت.....
۲۴۲.....	با تاریکی، یکی.....	۲۲۶.....	زندگی.....
۲۴۶.....	نزدیک مرگ.....	۲۲۸.....	درمانده ها.....
۲۴۷.....	من.....	۲۳۰.....	شمعی که در باد.....
۲۴۸.....	در باب حقیقت طبیعت.....	۲۳۲.....	معجزه!.....

۱۰۱.....	سفید.....	۹۱.....	ماهی کوچک.....
۱۰۲.....	شاهزاده و گدا.....	۹۲.....	در آپارتمان ما.....
۱۰۴.....	درخت بود.....	۹۳.....	برای خالی گلدان ها.....
۱۰۵.....	پاییز.....	۹۴.....	رنگ ها.....
۱۰۶.....	سایه روشن ها.....	۹۵.....	جاذبه ها.....
۱۰۹.....	گلدان خالی.....	۹۷.....	شب.....
۱۱۱.....	درخت.....	۹۸.....	طرح چند درخت.....
		۹۹.....	تاریکخانه.....

### سایه ام را بر دیوار جا گذاشته ام

۱۳۶.....	جای خالی گلدان.....	۱۱۵.....	دزدی.....
۱۳۷.....	این تخت روان.....	۱۱۷.....	سفید.....
۱۳۹.....	مثل کسی که هر روز.....	۱۱۸.....	چراغ جادو.....
۱۴۰.....	دنیا.....	۱۱۹.....	باران.....
۱۴۱.....	درخت.....	۱۲۰.....	Apocalypse.....
۱۴۲.....	تنهایی.....	۱۲۲.....	حال و هواها.....
۱۴۳.....	انسان.....	۱۲۴.....	کسی چه می داند.....
۱۴۵.....	لایبرنت ها.....	۱۲۷.....	پرواز.....
۱۴۶.....	آرزو ۲.....	۱۲۸.....	غم ها.....
۱۴۷.....	خواب نمی دیدم.....	۱۲۹.....	کوری.....
۱۴۸.....	این روز و شب.....	۱۳۱.....	تقصیر باد نیست.....
۱۴۹.....	گاهی وقت ها.....	۱۳۳.....	دنبال چیزی می گردد زندگی.....
		۱۳۵.....	گل همیشه بهار!.....

### شب به شیشه می زند

۱۶۷.....	زمستان ها.....	۱۵۳.....	فوییا.....
۱۷۱.....	مسخ.....	۱۶۵.....	بیمارستان.....

افسانه واقعیت.....	۲۵۱	آخر اسفند.....	۲۵۶
بازی.....	۲۵۲	شعر سپید.....	۲۵۷
آرزو.....	۲۵۳	هایکو.....	۲۵۸
قصرها.....	۲۵۴	یک شب دور و دیر.....	۲۵۹
جادو.....	۲۵۵	شعبده باز.....	۲۶۰

از میان غزل‌ها

نه! یافت می‌نشود.....	۲۶۵	در آفتابی‌های باران.....	۲۶۸
دیگر مگو از سبزه.....	۲۶۶	بر ما چه رفته‌ست.....	۲۶۹
غزل تاک.....	۲۶۷	دیگر چه جای زمزمه.....	۲۷۰

به جای مقدمه

سیمین بهبهانی

شعرهای این کتاب را از چهار دفتر منتشر شده و یک دفتر در دست انتشار مهدی مظفری ساوجی انتخاب کرده‌ام. این شعرها را من دوست دارم و درباره آن‌ها حرف‌هایی داشته‌ام که در دو نوشته جداگانه آمده است.

مظفری ساوجی زبان ساده‌ای دارد. زبانی سهل‌ممتنع که اگرچه ظاهراً ساده به نظر می‌رسد اما عمیق است و حاصل تأملات و تألمات اندیشه و عاطفه خیال‌انگیزی است که ذهن و زبان سیال و خلاق او برایش به ارمغان آورده است.

از این لحاظ شعر برای شاعر تفنن نیست که مثلاً بخواهد با آن خود و مخاطبش را سرگرم کند. گلدانی نیست که فقط برای زیبایی از گل‌های مصنوعی پر شده باشد و آن را در گوشه‌ای از اتاق پذیرایی گذاشته باشند.

شاعر خوش‌تر دارد که رنگ و بوهای طبیعی را به ما نشان دهد. به همین دلیل از گلی حرف می‌زند که شبنم سنگین و لاجرم غمگین، رنگ و بوی آن را در خود فرو برده است:

تاریکی	۲۵۱
مثل میهی	۲۵۲
پایین آمده	۲۵۳
آن قدر که حتی	۲۵۴
صداها را	۲۵۵
در خود	۲۵۶
فرو برده است	۲۵۷
عطر گلی را هم	۲۵۸
که می آمد	۲۵۹
از سر شب ...	۲۶۰

دستم به گلدانی می خورد، اختال چه است رخ فکته رخ بیهوش گشتن  
نمی دانم خالی ست  
یا من  
از گل های خالی پریم<sup>۱</sup>  
دیگر چه باید بگویم، جز اینکه بقیه حرف ها را خود شاعر با شعرهایش  
با ما در میان گذاشته است.

۱. سایه ام را بر دیوار جا گذاشته ام، مهدی مظفری ساوجی، تهران، چشمه، ۱۳۸۱، ص ۴۴-۴۵.

بازم به ایامی که در آن روزگار ما گم شده است به گمان من موسیقی  
است. منظوم اوزان عروضی یا اوزان نیمايي نیست، که به کار گرفتن  
آن ها در هر زمان و مکان نیازمند تبحر فراوان و گوش وزن شناس است؛  
منظوم همنوایی و خوش آوایی واژه هاست که شعری مانند شعر شاملو را

**برو به سلامت**

سیمین بهبانی

آقای مظفری عزیز! مصاحبه های تان را خوانده ام، خودم نیز با شما  
مصاحبه داشته ام. تاکنون شما را با عنوان یک پژوهشگر و روزنامه نگار  
با فرهنگ و خوش ذوق می شناختم و از هنر دیگر تان که شعر است آگاه  
نبودم.

از قدیم شنیده بودم که در گفت و گوها، شخص پرسنده نقش مهمی  
دارد، یعنی هر کسی که می داند چه بپرسد و چگونه بپرسد، پاسخ دهنده را  
به پاسخی قانع کننده و مفید هدایت می کند. باید بگویم که شما در این  
مورد واقعاً مهارت کامل دارید که باز می گردد به پشتوانه فرهنگی شما.  
اما شعر. این روزها خوشبختانه از این لحاظ به تولید انبوه رسیده ایم!  
لای گویم همه خوب است، اما بارها گفته ام که در معدن زغال سنگ،  
الماس هم یافت می شود.

آنچه از شعر جوان روزگار ما گم شده است به گمان من موسیقی  
است. منظوم اوزان عروضی یا اوزان نیمايي نیست، که به کار گرفتن  
آن ها در هر زمان و مکان نیازمند تبحر فراوان و گوش وزن شناس است؛  
منظوم همنوایی و خوش آوایی واژه هاست که شعری مانند شعر شاملو را